

قانون انتخابات به جای مجلس در شورای نگهبان بررسی می‌شود!

پیش از این محمدصالح جوکار، رئیس کمیسیون امور داخلی کشور و شوراهای مجلس یازدهم، خبر از بحث و بررسی‌ها درباره اصلاح قانون انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا در این کمیسیون داده بود؛ اصلاحاتی که به گفته او مجلس تلاش دارد در انتخابات سال آینده آنها را اجرا کند. در این اصلاحات تشکیل کمیسیون ملی انتخابات و حضور اعضای شورای نگهبان در آن برای نظارت بر انتخابات شورای شهر باعث انتقادات شده است.

براساس اصل ۹۹ قانون اساسی، شورای نگهبان نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست‌جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آرای عمومی و همه‌پرسی را بر عهده دارد. در اصل ۱۰۰ همین قانون، نظارت بر انتخابات شورای شهر و روستا بر عهده مجلس شورای اسلامی گذاشته شده است. جوکار نداشتن سازوکار نظارتی در مجلس را دلیل این پیشنهاد عنوان کرده و گفته است: در این امر سازوکارهای موقتی هم جواب نمی‌دهد؛ ضمن اینکه اطلاع درباره پرونده افراد و اشخاص باید در جایی ثبت‌وضبط شود و سازوکار این امر هم موجود نیست؛ بنابراین برخی دستگاه‌های نظارتی از جمله شورای محترم نگهبان این سازوکار را دارند که ازاین‌رو پیشنهاد شد کار را به صورت شورای انجام دهیم تا قوی‌تر و باکیفیت‌تر صورت گیرد و کمترین هزینه را به خاطر آن خواهیم داشت. ما به دنبال این مسئله هستیم و با اعضای محترم شورای نگهبان، حقوق‌دانان و فقهای این شورا نیز صحبت و مذاکره می‌شود تا بتوانیم این موضوع را حل‌وفصل کنیم. در حالی این پیشنهاد مطرح شده که طبق اصل ۱۰۰ قانون اساسی برگزاری انتخابات شوراها بر عهده مجلس است و شورای نگهبان هم موافق برعهده‌رفتن نظارت بر انتخابات شورای شهر و روستا نیست.

البته در مقوله نظارت بر انتخابات شوراها، شورای نگهبان خود تمایل چندانی برای پذیرش مسئولیت نظارت بر انتخابات ندارد و عباسعلی کدخدایی، سخنگوی شورای نگهبان، با بیان اینکه پیشنهادهایی در این زمینه مطرح شده، گفته که دوستان اصرار دارند انتخابات شورای شهر را نیز شورای نگهبان برگزار کند که برای ما مقدور نیست و پذیرش نظارت بر انتخابات شوراها برای شورای نگهبان مشکل است؛ البته گفت‌وگوهایی مطرح شده است و پیشنهادهایی نیز برای برگزاری انتخابات شوراها ارائه شده که باید پیش برویم و ببینیم در آینده چه می‌شود.

سؤال این است که ما چگونه بر صلاحیت ۴۰۰ هزار داوطلب انتخابات شوراها نظارت کنیم؟ بنده پیشنهاد دادم که مرجع خاص دائمی برای نظارت بر انتخابات شوراها تشکیل شود، قانون اساسی هم آن را منع نکرده است که مجلس مرجعی را به طور مستقل پیش‌بینی کند که نظارت و اجرای انتخابات شوراها را به صورت دائمی رصد و بررسی کند و منعی از این لحاظ وجود ندارد.

هر چند موضوع اصلاح قانون انتخابات قلمتی چندساله دارد، شواهد نشان می‌دهد قرار است در مجلس یازدهم فیصله یابد و احتمالاً در انتخابات ۱۴۰۰ اجرایی شود. اصلاحاتی که نمایندگان از همان ابتدا تلاش دارند در آن با نظر شورای نگهبان هماهنگ شوند و در همین راستا هم پیشنهاد مجلس نمایندگانی از شورا در مجلس در زمان بررسی طرح‌ها و لوایح مطرح شده است؛ بنابراین در اینکه مصوباتی مانند اصلاح قانون انتخابات باب طبع شورای نگهبان باشد، امری قابل پیش‌بینی است؛ زیرا بهارستانی‌ها ترجیح می‌دهند قبل از هر اقدامی نظر شورا را کسب کرده باشند که دراین‌باره دست‌کم نمی‌توان به شورای نگهبان خرده گرفت؛ زیرا این نمایندگان مجلس هستند که به دنبال جلب نظر شورا هستند. حال چرا از اختیار و استقلال خود برای بررسی و تصویب لوایح عبور کرده‌اند، خود جای سؤال دارد. شاید این نمایندگان مجلس به جای نگاه به حقوق ملت نیم‌نگاهی به انتخابات مجلس دوازدهم دارند تا به سرنوشت بسیاری از نمایندگان مجلس دهم دچار نشوند؛ اما اینکه این روابط و همسویی با شورای نگهبان تا چه میزان در آینده برای‌شان مفید باشد، نیاز به گذر زمان دارد، اما اکنون باید بداندن وظیفه نماینده مجلس تصویب لوایح و طرح‌ها در مسیر قانون‌گذاری است و وظیفه شورای نگهبان بررسی آنها در فرصت مقرر در قانون بعد از تصویب در مجلس است؛ بنابراین از پیش هماهنگ‌شدن با شورای نگهبان آن‌هم در مواردی مانند اصلاح قانون انتخابات همچنان با شائبه‌های بسیاری همراه بوده و انتقاداتی در پی داشته است. نمایندگان مجلس زمانی می‌توانند معتمد مردم باقی بمانند که دست‌کم استقلال خود را حفظ کنند.



سیدمحمدعلی ابیطحی

آیت‌الله حاج شیخ محمدعلی تسخیری درگذشت؛ خبر کوتاه و تأثرآوری بود. دوست ۴۰ساله‌ای بودیم که اگر چه نزدیک نبودیم، اما همیشه برایم شخصیت محترمی بود. شاید طول زندگی‌ها خیلی فرق نکند، اما واقعا بعضی از افراد زندگی‌های بابرکتی دارند. آیت‌الله تسخیری یکی از آنان بود. این مرد دلایل تمایز زیادی بر اقراn خود داشت:

۱. تسخیری، مرد اخلاق بود. هرکس با زندگی او آشنا بود، شاخص‌های اصلی اخلاقی‌بودن را در او می‌دید. در همه شرایط و مشاغل هم از نظر اخلاقی یکسان بود و تغییری نمی‌کرد. در ادب کلامی و رفتاری کم‌نظیر بود. متواضع و افتاده بود. هم حضورش حرمت داشت و هم حرمت همه را با هر طرز فکر و عقیده‌ای نگه می‌داشت؛ یکی از مصادیق واقعی اعتدال در زندگی شخصی‌اش بود. تقریباً هیچ‌وقت در جناحی چنان فرونرفت که مجبور شود دستش را از

شرق؛ سینما رکس آبادان در ۲۸ مرداد سال ۱۳۵۷ و حین نمایش فیلم «گوزن‌ها» در آتش سوخت تا چندصد نفر در این آتش‌سوزی جان خود را از دست دهند. در همان زمان هم اعلام شد به احتمال فراوان حادثه عمدی است؛ اما بر سر عاملان این حادثه همواره بحث‌های روایت‌های مختلفی وجود داشت؛ خاصه آنکه هم‌زمانی این رویداد با اعتراض‌های انقلاب اسلامی، بر این شائبه دامن می‌زد که آتش‌سوزی به حوادث سیاسی مربوط است. حکومت، انقلابیون را متهم می‌کرد و انقلابیون هم حکومت را عامل این فاجعه می‌دانستند.

متن گزارش محرم‌نامه ناس منتشرشده در سایت ویکی‌لیکس

بر اساس اسنادی که سایت ویکی‌لیکس منتشر کرد، چارلز ناس، کاردار سفارت آمریکا در تهران، در گزارشی محرم‌نامه درباره آتش‌سوزی سینما رکس آبادان در ۲۸ مرداد ۱۳۵۷، به نقل از یک «منبع آگاه در میان اپوزیسیون مسلح» نوشت حکومت ایران به‌طور ضمنی اجازه چنین کاری را داده است. در این گزارش شنبی ۲۰ تا ۲۱ آگوست به آتش‌سوزی فاجعه‌بار سینما رکس آبادان اختصاص داده شده است. آتش‌نشان‌ها اجساد ۳۷۷ نفر را پیدا کرده‌اند و تعداد کشته‌شدگان به صورت غیررسمی به ۴۳۰ نفر رسیده است. این آمار به احتمال زیاد افزایش خواهد یافت؛ زیرا ظرفیت سینما ۶۰۰ تا ۷۰۰ نفر برآورد شده و فقط ۲۰ تا ۴۰ نفر توانسته‌اند جان سالم به در ببرند. مقامات نمی‌دانند چند نفر در سینما حضور داشته‌اند؛ زیرا ورود اطفال آزاد بوده است. ۲- آتش‌سوزی اندکی پس از شروع فیلم ایرانی حدود ساعت ۲۱:۴۵ آغاز شد. طبق گزارش‌ها، آتش‌افروزان دور تا دور ساختمان را گازوئیل ریخته‌اند و منتظر شده‌اند تا گازوئیل به داخل ساختمان نفوذ کند و سپس آن را شعله‌ور کرده‌اند؛ اما برخی از بازماندگان می‌گویند پیش از شروع آتش‌سوزی، صدای انفجار شنیده‌اند. شاهدان می‌گویند سینما بلافاصله در شعله‌های آتش غوطه‌ور شد. جمعیت به سمت تنها در خروجی هجوم برد، ولی در قفل بود. دران می‌گویند برای جلوگیری از حملات تروریستی در را قفل کرده بودند (دو ماه پیش نیز این فیلم مورد حمله قرار گرفته بود). آتش‌نشان‌ها تا ساعت دو بامداد نتوانستند حریق را کنترل کنند. از آن به بعد فقط می‌توانستند اجساد را بیرون بکشند. ۳- پلیس از ۱۰ فقره دستگیری خبر داده است. سه نفر در این میان مواد منفجره حمل می‌کرده‌اند، ولی از دستگیری عاملان این جنایت سخنی به میان نیامده است. سه نفر از دستگیرشدگان نیز رئیس سینما و دو کارمند آن هستند

سیاست

تسخیری، مرد وحدت و بین‌الملل

دیگران قطع کند. او شوخ‌طبع، باسواد و مهربان بود. ۲-آیت‌الله تسخیری مرد بین‌الملل‌بود؛ یکی از نمونه‌های واقعی که احتمالاً در خارج از ایران شناخته‌شده‌تر از ایران بود. کمتر شخصیت معروف فرهنگی جهان اسلام بود که با تسخیری مرآوده نداشته باشد. سیاست‌مداران زیادی هم او را می‌شناختند. یک بار از دور و نزدیک شنیده نشد که از این ارتباطات برای خودش استفاده کرده باشد. گاهی در سمینارهای پرتشتی شرکت می‌کرد و تنهایی و شجاعانه به دفاع از مبانی دینی و ایرانی برمی‌خاست. سفرهای زیادی با هم رفته بودیم. در ارتباطات بین‌المللی فرهنگی‌اش هم همه جناح‌ها را زیر پوشش داشت. در خیلی از کشورهای عربی، دو طرف تخاصم‌های حتی خونی، تسخیری را قبول داشتند. چنین سرمایه‌ای وقتی قدرش هویدا می‌شود که با دیگریانی مقایسه شود که امکانات بزرگ بین‌المللی دولتی را در اختیار داشتند و نتوانستند درصدی از موفقیت‌های این پیرمرد تنهای یک‌لایقا را به دست آورند. او خودش ظرفیت به‌پیش‌رفتن داشت و لازم نبود نظام دولتی و حکومتی او را پشتیبانی کند. در جنگ ایران و عراق، یکی مثل او که زاده عراق بود و عربی را مسلط‌تر از فارسی حرف می‌زد، به دفاع

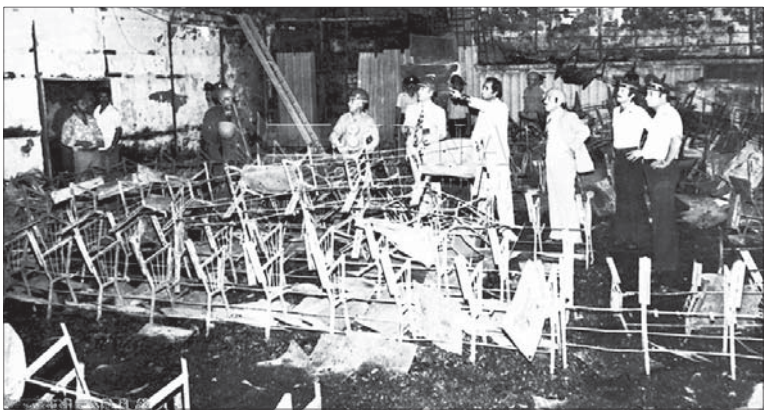
از ایران و ایرانی‌ها در سمینارهای مختلف می‌رفت. به‌عنوان ایرانی باید قدر زحمات ناشناخته این افراد را دانست. او زبان گویایی بود که دنبال تریبون می‌گشت تا از آن استفاده کرده و نام اسلام، تشیع و ایران را برآوازه کند. ۳- ویژگی بارز مرحوم تسخیری، علاقه فوق‌العاده او به وحدت جهان اسلام بود. وحدت شیعه و سنی اگرچه امری مبارک است و ضروری، اما تسخیری نزدیک به مجموعه‌ای بود که نه‌تنها با وحدت شیعه و سنی مشکل داشتند، بلکه آن را تلاشی برای تضعیف شیعه می‌دانستند و به آن حمله‌ور می‌شدند. در این میان، او که از نخله آن جماعت بود، صداقت و مومنانه به وحدت جهان اسلام اعتقاد داشت. هرچا که سمنباری درباره وحدت بود، شرکت می‌کرد و عالمانه از یک‌دلی جهان اسلام دفاع می‌کرد و مدت‌ها هم سابقه دبیر کلی مجمع تقریب را داشت. این نکته هم درخور توجه است که تمامی دفاع‌های او از وحدت جهان اسلام، هرگز به معنای دست‌کشیدن از اصول و فروع تشیع نبود. همکاری دو مذهب زیر پرچم اسلام را می‌طلبد و اینکه هر مذهبی راه و روش خود را داشته باشد. در دفاع از وحدت نیز معتدل بود.

وقتی علم تکفیری‌ها بلند شد، چه در قالب طالبانی و بعد القاعده‌ای و در نهایت داعشی، هشدارهای خیلی زودهنگام می‌داد. بعضی حتی هشدارهای او را حمل بر تعصب می‌کردند، اما بعدها خطری را که تسخیری زود تشخیص داده بود، فهمیدند. نکته مهم این بود که با وجود این‌همه مقابله با تفکر افراطی دینی، آخرین فردی بود که با چهره‌های فرهنگی صاحب‌نام جبهه مقابل قطع رابطه می‌کرد؛ گویا می‌فهمید روزی در این بازی سیاست و گردش چرخ گردون، روابط شخصی او با این چهره‌ها می‌تواند جلوی خون‌ریزی‌ها را بگیرد. این همه تحمل و تسامح ذاتی در کمترکسی دیده شده است.

۴- مرحوم تسخیری علاوه بر زندگی علمی و فرهنگی که البته وجه متمایز او بود، زندگی سختی را در مبارزات جوانی‌اش علیه صدام‌حسین و رژیم بعثی داشت. او شاگرد نزدیک شهید صدر بود و در حزب الدعوه عراق صاحب کرسی بود. بعد از انقلاب ایران هم به‌خصوص در دوران جنگ، روح مبارز و انقلابی‌اش را در خدمت به مردم ایران گذاشت. فقدان این شخصیت بزرگ از مرگ‌هایی است که به‌راحتی نمی‌شود برای آن جایگزین پیدا کرد.

آتش‌سوزی سینما رکس به روایت سیا و اسناد ویکی‌لیکس

مسئول میز ایران در وزارت امور خارجه آمریکا در سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۹: سیا گفت کار ساواک است



گفته مبارزان مسلح. این حقیقت دارد که رئیس پلیس آبادان -رزمی- در جریان ناآرامی‌های ماه ژانویه، رئیس پلیس قم بوده است و همچنین تأخیر در ارسال تجهیزات آتش‌نشانی، مشخص می‌کند که مقامات هوشیار و آماده نبوده‌اند. این منبع همچنین تأکید کرد این عمل نمی‌تواند از «تروریست‌ها» سر بزند، زیرا آنها هیچ‌وقت «به مردم حمله نمی‌کنند». مسئله آتش‌سوزی آبادان برای مدت‌ها اپوزیسیون را درگیر خواهد کرد. ۶- هفت نفر از نمایندگان مجلس درخواست جلسه فوق‌العاده کرده‌اند که تراژدی آبادان بررسی شود؛ آنها از دولت درخواست گزارش کامل کرده‌اند. ۷- سینماها در اعتراض به این فاجعه، تعطیل شده‌اند و اکثر آنها تا ۲۷ آگوست تعطیل باقی خواهند ماند (توضیح: زیرا ۲۶-۲۵ آگوست اوج عزاداری‌هاست).

روایت مسئول میز ایران در وزارت امور خارجه آمریکا در سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۹

هنری پرکت، افسر مسئول امور سیاسی و نظامی سفارت آمریکا در تهران در سال‌های ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۵ و مسئول میز ایران در وزارت امور خارجه ایالات متحده در سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۹، چند سال پیش در گفت‌وگویی خاطراتش را بازگو کرد. او در دو گفت‌وگو می‌گوید: سیا اعلام کرد مقصر آتش‌سوزی سینما رکس ساواک بوده است. در بخش‌هایی از این گفت‌وگو آمده است: «اواسط اوت بود که مشکلی پیدا شد. فکر کنم یک روحانی کم‌ویش برجسته‌ای در یک بزرگراه تصادف کرد و کشته شد. بلافاصله این پنداشت عمومی پیدا شد که قضیه کار ساواک است و تظاهرات در تفرجگاهی در اصفهان درگرفت و باعث شد در این شهر حکومت نظامی اعلام شود. اوت در تقویم اسلامی هم‌زمان شده بود با ماه رمضان. متعاقباً اواخر ماه اوت،

واکنش وزارت کشور به حسام‌الدین آشنا:

به روحانی آمار داده‌ایم

امنیت کشور برای ما ارزش دارد و در چارچوب قانون باید از امنیت کشور دفاع شود. اگر تخلفی هم در این زمینه شده، رسیدگی شده است. رهبری هم به دبیرخانه شورای امنیت ملی دستور بررسی حوادث آبان را داده‌اند. نیروهای مسلح هم گزارش‌های مختلفی در این زمینه ارائه کرده‌اند. من هم چندین گزارش ارائه کرده‌ام.»
او باز هم وعده داد که آمار دقیق به‌زودی اعلام می‌شود؛ اما تعداد حدودی کشته‌ها را غیرمستقیم اعلام کرد. وزیر کشور گفته بود: «حوادث غم‌باری رخ داد و حدود ۴۰ تا ۴۵ نفر یعنی حدود ۲۰ درصد کشته‌شدگان، افرادی بودند که با سلاح‌هایی کشته شدند که سلاح سازمانی نبود و آنها شهید شدند». یک روز بعد مجتبی ذوالنور، رئیس سابق کمیسیون امنیت ملی مجلس دهم، در حاشیه جلسه کمیته امنیتی-اجتماعی ستاد ملی کرونا به میان خبرنگاران آمد و از آمار کشته‌های آبان گفت. او گفته بود: «در این‌س حوادث ۲۳۰ نفر کشته شدند که شش نفر از آنها مأموران رسمی امنیتی بودند. ۲۰ درصد جان‌باختگان در قالب نیروهای عمل‌کننده برای نظم و امنیت در صحنه بودند و هفت درصد کسانی بودند که در درگیری‌های مستقیم با نیروهای امنیتی کشته شدند». ذوالنور گفته بود: «۱۶ درصد کشته‌شدگان ناشی از حمله به مراکز امنیتی و نظامی بودند. ۹۲ مرکز مورد تعرض قرار گرفتند. ۳۱ درصد جان‌باختگان به دلیل حمله به مراکز عمومی کشته شدند. ۲۶ درصد کسانی هستند که جز معارض نبودند و به طرز نامعلوم جان باختند و ۲۲ درصد از جان‌باختگان کسانی هستند که سابقه محکومیت کيفری داشته‌».

پاسخ تند حدادعادل به فتاح:

حالا شما فرشته نجات شده‌اید؟

● **فارس:** غلامعلی حدادعادل با انتشار ویدئویی درباره شبهات اخیر در زمینه ملک هشت‌هزارمتری و خانه مدرسه فرهنگ که از سوی پرویز فتاح، رئیس بنیاد مستضعفان، در یک برنامه تلویزیونی مطرح شد، توضیحاتی ارائه داد. متن کامل این توضیحات به شرح زیر است:

لارم می‌دانم برای رفع شبهاتی که بعد از برنامه تلویزیونی آقای پرویز فتاح درباره مدرسه فرهنگ ایجاد شده، توضیحاتی عرض کنم و خطاب به ایشان بگویم که آقای فتاح، شما با بردن نام حداعادل و ذکر اینکه قطعه‌زمینی از بنیاد به قیمت بیش از ۴۰۰ میلیارد تومان در اختیار مدرسه فرهنگ بوده که به‌تازگی آن را برگردانده‌اند و دیگر اینکه خانه‌ای با قیمت ۲۰۰ میلیارد در اختیار دارند که باید برگرداندند، دو شبهه ایجاد کرده‌اید:

۱- اینکه در سال‌های گذشته هرج‌ومرج کاملی بر بنیاد حاکم بوده و حالا فتاح فرشته نجات شده است.

۲- حدادعادل برای مدرسه شخصی خود و املاک متعلق به مستضعفان دست‌اندازی کرده است.

آقای فتاح، بننده از شما می‌پرسم آیا نمی‌دانستید که مدرسه فرهنگ بعد از اطلاع مقام معظم رهبری از وضع ناهنجار رشته علوم انسانی در آموزش‌وپرورش با توصیه مؤکد ایشان برای احیای این رشته ایجاد شده و ایشان با تصدیق ضرورت امر به مسئولان وقت بنیاد دستور داده‌اند برای تأسیس و اداره این مدرسه کمک کنند و کمک بنیاد در سال ۱۳۷۲ این بود که خانه‌ای در اختیار مدرسه قرار دادند که همان خانه‌ای است که شما در برنامه تلویزیونی به آن اشاره کرده‌اید.

آقای فتاح، شما از وضع مدارس این رشته قبل از تأسیس مدرسه فرهنگ و تحول مثبتی که بعد از تأسیس آن در سراسر کشور ایجاد شده، باخبرید. آیا فرزند شما با آگاهی شما از هدف و برنامه مدرسه فرهنگ، در همین مدرسه و در همین ساختمان تحصیل نکرده است؟

آقای فتاح از آنجا که خانه‌ای که مدرسه شد برای مدرسه مناسب نبود، مقام معظم رهبری در سال ۱۳۷۴ با همه احتیاطی که در باب استفاده از بیت‌المال دارند، با توجه به اساسنامه مؤسسه فرهنگ که در آن قید شده بود اموال مدرسه متعلق به شخص نیست بلکه به بیت‌المال تعلق دارند، به موافقت کردند-زمینی از بنیاد در اختیار مؤسسه قرار گیرد تا پس از ساخت مدرسه در آن، خانه قبلی به بنیاد برگردد.

به جهت مشکلات اداری و مالی، کار ساخت مدرسه به تعویق افتاد و در سال‌های اخیر معلوم شد به علت قرارگرفتن زمین زیر کسل زلزله، امکان ساخت مدرسه در آن وجود ندارد. مؤسسه فرهنگ در سال ۹۸ اعلام کرد این زمین را به بنیاد برمی‌گرداند.

آقای فتاح، شما می‌دانید و مدیران قبل از شما هم می‌دانستند که مدرسه فرهنگ یک مؤسسه اقتصادی نیست و مؤسسان آن از سود و بهرهای نمی‌برند بلکه در حد توان خود برای اداره آن کمک مالی می‌کنند.

حتی برای فرزندان و نوه‌های خود من که در این مدرسه درس خوانده‌اند، شهریه پرداخت شده است. یکی از فرزندان من که دکتری نانوتکنولوژی دارد، در ازای کار تمام‌وقت، تنها ماهی دویملیون و ۴۰۰ هزار تومان دریافت می‌کند و فرزند دیگر من که در دو رشته فوق‌لیسانس دارد، در ازای بیش از سه روز کار در هفته ماهی یک‌میلیون و ۷۰۰ هزار تومان حقوق دارد.

آقای فتاح، شما به‌جز اینکه به مردم بگویید چسرا و از سوی چه مرجعی و با توجه به چه واقعیت‌هایی آن خانه و زمین در اختیار مدرسه فرهنگ قرار گرفته، با یک بیان تبلیغاتی تحریک‌آمیز در تلویزیون برای خوش‌نام‌کردن خودتان، ما را بدنام و متهم به تصرف در بیت‌المال می‌کنید.

آقای فتاح، ما هم مثل شما به مدرسه‌سازی در مناطق محروم معتقدیم و درحال‌حاضر در مناطق محروم سیستان‌وبلوچستان و کرمان ۱۴ مدرسه با دست خالی ساخته‌ایم و آنها را با کمک خیرین اداره می‌کنیم؛ اما علاوه بر آن معتقدیم که تربیت نیروی انسانی متعدد که علاقه به خدمت به مستضعفان داشته باشند نیز مهم است و آن همان کاری است که در مدرسه فرهنگ می‌کنیم. آقای فتاح، ای کاش در یک سالی که رئیس بنیاد شده‌اید، چند دقیقه صرف وقت می‌کردید و در یک دیدار حضوری نظر خود را با حدادعادل در میان می‌گذاشتید و قبل از اینکه در تلویزیون به او تهمت بزنید، توضیحات او را می‌شنیدید. آقای فتاح، ما با اطمینان کامل از اینکه هیچ چشمداشت مادی و مالی به بیت‌المال نداشته‌ایم و آنچه اتفاق افتاده با دلایل موجه و با اجازه مقامات ذی‌صلاح بوده، به‌رغم شبهه‌افکنی‌های شما، با توکل به خداوند راه خود را برای تربیت نیروی انسانی دانشمند و مؤمن و متعهد ادامه خواهیم داد و معتقدیم برای ساختن عالمی نو باید آدمی نو ساخت و این کاری است که تنها از طریق تعلیم و تربیت می‌شود.

خدا را شکر می‌کنیم که تلاش ما در سه دهه گذشته بی‌نتیجه نبوده و امیدواریم در آینده نیز چنین باشد.